



## خطر پیشرفت علم و فناوری در آینده جهان اسلام و ایران و بررسی آسیب‌ها و تهدیدهای آن برای انسان و جامعه

مرضیه مینایی پور

چکیده: امروزه تکنولوژی از اهمیت بالایی برخوردار است و جزء لاینفک زندگی بشر است. تکنولوژی یا فناوری شیوه و شگرد ساخت و کاربرد ابزار، دستگاه‌ها، ماده‌ها و فرایندهایی است که حاصل علم و دانش می‌باشد که علم یک روش نظام‌مند و منطقی برای پی‌بردن به نحوه‌ی کارکرد اجزای موجود در جهان است. علم و دانش در زندگی انسان دارای جایگاه ویژه‌ای است و نقش علم در زندگی انسان راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به انسان می‌آموزد و نیز در اسلام یکی از با ارزش‌ترین مسائل علم و دانش که درباره آموختن آن بسیار سفارش شده است. همچنین تولید علم، عبور از مرزهای دانش، شکل‌گیری چرخه‌ی علمی و مفاهیمی از این دست همواره از جمله اساسی‌ترین خطوط ادبیات گفتمانی رهبر معظم انقلاب اسلامی به خصوص در سالیان اخیر بوده است. ولی خطر بزرگی که امروز جامعه بشر را تهدید می‌کند، این است که پوسته علم و معرفت رشد کرده؛ اما با جدا شدن از مغز و حقیقت آن جهت و فلسفه واقعی خود را از دست می‌دهند و از این‌رو در مسیر انحطاط انسان به کار گرفته می‌شوند. از این‌رو هدف از این مقاله به بررسی اینکه آیا با پیشرفت علم و فناوری آینده جهان اسلام و ایران به خطر می‌افتد و تهدیدی برای انسان و جامعه می‌باشد. بنابراین ما در این مقاله به اهمیت علم، دانش و جایگاه آن از دیدگاه اسلام و قرآن، آسیب‌ها و تهدیدات در مسیر پیشرفت علمی ایران و جهان اسلام، خطر پیشرفت علم و دانش برای انسان و جامعه، آموختن و فراگیری چه علمی از دیدگاه اسلام شایسته و موجب پیشرفت می‌شود، می‌پردازیم. اطلاعات این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و اسنادی گردآوری شده است.

## کلیدواژه: علم، فناوری، آسیب و تهدید، جامعه، قرآن، اسلام.

### ۱- مقدمه

پیدایش علم و دانش با خلقت انسان برابری می کند و همواره بشر در صدد آن بوده که بفهمد و درک نماید، علم و دانش در زندگی انسان دارای جایگاه ویژه‌ای است. نقش علم در زندگی انسان این است که راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به انسان می آموزد. علم، انسان را توانا می کند که آینده را همان گونه که می خواهد بسازد. علم مانند ابزاری در اختیار خواست انسان قرار می گیرد و طبیعت را آن چنان که انسان بخواهد و فرمان دهد می سازد (فریدونی، ۱۳۹۱: ۱). همچنین رشد سریع و شتابان فناوری و کسب جایگاهی رفیع توسط علم و تاثیرات گسترده آنها در حوزه‌های مختلفی چون توسعه اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و آموزشی باعث اهمیت یافتن چپستی و ماهیت علم و فناوری از یک طرف و نحوه ارتباط آنها از طرفی دیگر شده است (چاپرک و حاجی حسینی، ۱۳۹۵: ۴۶).

یکی از مسائل مهم و مطرح در جوامع امروزی خصوصاً در جامعه، رابطه علم و دین است. بیان رابطه میان علم و دین نزد دانشمندان اسلامی و صاحب نظران اهمیت خاصی دارد و آنان نظریات متفاوتی در این باره داده‌اند. عده‌ای قائل به تداخل و عدم تنافی هستند، برخی قائل به تعارض و بعضی نیز معتقد به تمایز و جدایی بین آن دو هستند؛ اما از نظر ما مسلمانان و شیعیان بین علم و دین هیچ گونه تعارضی وجود ندارد و این دو مکمل و متمم یکدیگرند. دو رکن از ارکان مهم انسانیت، دین و علم است. شهید مطهری می‌فرماید: (علم به ما روشنایی و توانایی می‌بخشد و ایمان عشق و امید و گرمی، علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد، علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت، علم توانستن است و ایمان خوب خواستن، علم می‌نمایاند که چه هست و ایمان الهام می‌بخشد که چه باید کرد (نظریور، ۱۳۸۵: ۱).

همچنین تولید علم، عبور از مرزهای دانش، شکل‌گیری چرخه‌ی علمی و مفاهیمی از این دست همواره از جمله اساسی‌ترین خطوط ادبیات گفتمانی رهبر معظم انقلاب اسلامی به خصوص در سالیان اخیر بوده است. ولی خطر بزرگی که امروز جامعه بشر را تهدید می‌کند، این است که پوسته علم و معرفت رشد کرده؛ اما با جدا شدن از مغز و حقیقت آن جهت و فلسفه واقعی خود را از دست می‌دهند و از این‌رو در مسیر انحطاط انسان به کار گرفته می‌شوند. در تاریخ ملت‌ها موضوعاتی چون فرهنگ و تمدن، نقش و اثر بسیار مهمی داشته و در میان شناسایی میراث علمی و نیز موانع و آسیب‌هایی که آن را تهدید می‌نماید حائز اهمیت است. پدیده‌های علمی یک جامعه، نتیجه‌ی افکار و اندیشه‌های آن جامعه بوده و از این طریق می‌توان به رشد و بلوغ فکری آن پی برد (بهنیافر، ۱۳۸۸: ۲).

از این رو هدف از این مقاله به بررسی اینکه آیا با پیشرفت علم و فناوری آینده جهان اسلام و ایران به خطر می‌افتد و تهدیدی برای انسان و جامعه می‌باشد. در این مقاله ما به سوالات زیر پاسخ می‌دهیم.

۱- منظور از فراگیری علم از دیدگاه اسلام و قرآن چیست و اسلام یادگیری چه علمی را واجب می‌داند؟

۲- آسیب‌ها و تهدیدات در مسیر پیشرفت علمی ایران و جهان اسلام چیست؟

برخی کارهای مشابه انجام شده در این زمینه بدین شرح می‌باشد:

محمودیات و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود بیان می‌کند امروزه اهمیت علم و دانش بر بشریت آشکار است همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تاکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخارآمیز می‌شمرند در این بین دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به این مقوله پرداخته و در دهه‌ها آیه در قرآن کریم و صدها حدیث در مجموعه‌های ارزشمند از سخنان اهل بیت عصمت (ع) با اهمیت قائل شدن برای علم و آموزش و نیز با مذمت جهل و بیان و آثار آن به علم بها داده و انسان‌ها را به تعلیم و تعلم فراخوانده است در این پژوهش که از نوع تحقیقات کیفی است هدف آن است که به روش توصیفی تحلیلی و جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بدین سوال پاسخ دهیم که قرآن کریم در اهمیت علم و آموزش به چه مواردی تاکید و اشاره دارد؟ در پایان پس از بررسی مستندات پژوهش و آیات قرآن کریم به روش تحلیل محتوای کیفی و هرمنوتیک بدین نتیجه رسیدیم که قرآن کریم در آیات متعدد و جنبه‌های گوناگون از جمله علم خداوند علم اسلام تعدد علوم منشا و حیانی تربیت و تزکیه پیامبر اسلام (ص) و نقش هدایت‌گری قرآن کریم برتری و خلافت علما بردیگران رسالت انبیا علم آموزی به افراد علم در مقابل جهل و شرک و ستم و توصیه و ضرورت آموختن علوم این مهم را یادآور شده که آیات مرتبط با آنها نیز ارایه گردید.

رحیمی راغب و قیوم (۱۳۹۴) در مقاله خود بیان می‌کند تاریخ بشر با آموختن و تعلیم و تربیت آغاز می‌شود، انسانها از روزگار کهن و آن زمان که پا به عرصه ی تاریخ و حیات خود گذاشتند، شروع به آموختن و کشف راز و رمز اطراف خود و انتقام مفاهیم و اطلاعات به منظور بیان دیدگاه و نظرات خود نمودند و انسانها از همان ابتدای خلقت تا به امروز که از راه‌های گوناگون دانش و اطلاعات خود را بدست می‌آورد بر اهمیت و نقش علم و دانش در زندگی خود پی برده بودند. در ادیان گوناگون به تناسب به فراگیری علم و دانش تأکید و توصیه شده است اما هیچ دینی همانند اسلام و به اندازه آن مسلمانان را به آموختن علوم گوناگون و یا دادن آن به دیگران به منظور رواج علم و دانش میان مردم تأکید نکرده است. مسلمانان از همان روزگار اولیه به دنبال کسب علم و دانش بودند که این امر از توصیه های قرآن و دین مبین اسلام نشأت می‌گرفت و قرآن این کتاب آسمانی خود به عنوان اساس علوم اسلامی و اخلاقی و همچنین پیامبر اکرم (ص) نیز که خود به عنوان اولین معلم و مربی در تاریخ که تعالیم و احکام دین اسلام را به یاران و صحابه خود می‌آموخت از عوامل اساسی گرایش و تحرک مسلمانان به آموختن علم و علوم آموزی بوده است و با تأسیس اولین حلقه‌های درسی در مساجد علم آموزی مسلمانان آغاز شد. در این

مجال تا حد امکان سعی خواهد شد تا اهمیتی که دین اسلام به علم آموزی و جایگاه مهمی که به دانشمندان و عالمان داده شده است بررسی شود.

آمرهئی و صادقی (۱۳۹۲) در مقاله خود بیان می‌کند بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات بحث نسبتاً جدیدی است که در دهه‌های اخیر، بدان توجه خاص شده و بررسی تاثیر آن برای توسعه آینده جامعه، ضروری به نظر می‌رسد. نقش این فناوری به عنوان محور بسیاری از تحولات جهانی و همچنین یکی از ابزارها و بسترهای مهم توسعه همه جانبه، انکارناپذیر است. تکنولوژی هزاره جدید، باعث کم کردن زمان انجام محاسبات، دقیق تر شدن پردازش داده‌ها، تبادل اطلاعات و آسان و کم هزینه کردن داد و ستد می‌شود. از این رو متصدیان امور مملکتی که خواهان افزایش قدرت و ثروت ملی و بهبود بخشیدن به شاخص‌های زندگی شهروندان خود هستند، به این امر توجه ویژه ای دارند. اما مساله مهم این است که یک فناوری زمانی می‌تواند به این اهداف برسد و سودمند واقع شود که در مقطع مورد نیاز ایجاد و محقق شده و زیرساخت‌ها و بسترهای جامعه نیز جهت آن، مهیا باشد. دسترسی به چنین مطلوبیتی، نیازمند آمادگی و برنامه‌ریزی از قبل و به عبارتی نیازمند آینده پژوهی است. نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آینده جامعه، بحثی است که در این مقاله دنبال می‌شود.

روشندل اربطانی و صابر (۱۳۹۱) در مقاله خود بیان می‌کند فناوری اطلاعات توانسته است تمامی شیوه‌ها و مسیرهای انتقال، مبادله، نمایش، ذخیره‌سازی، و مدیریت اطلاعات را متحول و دگرگون سازد. امروزه، فناوری‌های نوین ارتباطی چنان سرعت و عمقی به تغییرات اجتماعی داده‌اند که حتی پابرجاترین عرصه حیات بشری یعنی فرهنگ را نیز درنوردیده و انسان را در میانه یک دگرگونی فرهنگی جدی قرار داده‌اند؛ چرا که سرعت انتقال جریان فرهنگ، به واسطه ارتباطات نوین، در حال افزایش است. از این رو، ترسیم چنان دورنمایی در حوزه فناوری اطلاعات منشأ تحولات مثبت خواهد بود که مبتنی بر جایگاه‌ها و راهکارهای مطلوب فرهنگی باشد. در این مقاله، ضمن تعریف مفاهیم فرهنگ و فناوری اطلاعات و بررسی ویژگی‌های آن‌ها، رابطه میان فرهنگ و فناوری اطلاعات با تأکید بر فناوری‌های نوین ارتباطی، که مهم‌ترین آن‌ها اینترنت است، مورد کنکاش قرار گرفته است. نگارنده در این بررسی دیدگاه‌های متفاوت درباره تأثیرات و کارکردهای اینترنت را به بحث کشیده و نشان داده است که با وجود همه ظرفیت‌ها، فرصت‌ها، و قابلیت‌های این فناوری نوین نباید مسائل و آسیب‌های به وجود آمده را از نظر دور داشت. در انتها به بررسی تأثیر اینترنت بر تغییر روند سنتی ارزش‌های دینی پرداخته شده است. در این پژوهش، که با روش توصیف، تبیین، و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از منابع کتابخانه‌ای تهیه شده است، مشخص می‌شود که اینترنت ممکن است باعث تضعیف برخی ارزش‌های دینی شود.

حق پرست رادمرد و جیردهی (۱۳۹۱) در مقاله خود بیان می‌کند استفاده از اینترنت در بین نسل جدید جامعه در حال گسترش است و بخشی از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد. امروزه برای خرید، جمع آوری اطلاعات، گفتگو با سایر کاربران و بسیاری از فعالیت‌های دیگر از اینترنت استفاده می‌شود. آنگونه که به نظر می‌رسد هیچ

جنبه‌ای از زندگی نیست که تحت تاثیر این دهکده جهانی قرار نگرفته باشد. از جمله پیامدهای منفی استفاده از اینترنت می‌توان به تغییر دادن سبک زندگی به منظور صرف زمان بیشتر در اینترنت، بی‌توجهی به سلامت خو، اجتناب از فعالیت‌های مهم زندگی، کاهش روابط اجتماعی، نادیده گرفتن خانواده و دوستان، مشکلات مالی ناشی از هزینه‌های بهره بردن از اینترنت و مشکلات تحصیلی نام برد. به عنوان یک نتیجه گیری نهایی می‌توان گفت که با همه فوایدی که اینترنت دارا است یکسری مشکلاتی هم به همراه دارد که اگر با دقت کنترل نشود خصوصا در بین نوجوانان و جوانان باعث بروز آسیب‌های خطرناکی می‌شود.

به‌نیافر (۱۳۸۸) در مقاله خود بیان می‌کند تولید علم در تمدن اسلامی که به لحاظ تئوری و در شیوه عملی مورد عنایت خاص قرار گرفته است ناشی از توجه اسلام به علم و تمدن و استفاده نقادانه از سایر تمدن‌ها می‌باشد، به طوری که مسلمانان طی چند قرن، در علوم مختلف پیشرفت شگفت‌انگیزی داشتند و بطور چشمگیری سیادت علمی خود را بر جهانیان دیکته کردند، البته این پیشرفت‌ها بنا به دلایلی موقتا متوقف شد و سپس با تسلط استعمار بر ممالک اسلامی، توقف مسلمانان در تولید علم به شکل کاملتری رقم خورد. در دوران اخیر با ایجاد تفکر احیای تمدن اسلامی، رشد نسبی را در زمینه تولید و توسعه شاهدیم ولیکن آسیب‌هایی این مساله را از جهات مختلف تهدید می‌نماید که باید در صدد یافتن راه کارهایی برای مقابله با آنها بود. در مقاله حاضر با استفاده از روش تاریخی تطبیقی و با نگاهی به تولید علم در تمدن اسلامی، در گذشته و حال به آسیب شناسی این مساله در دنیای امروز و راه کارهای مقابله با آن پرداخته شده است.

در ادامه این مقاله بدین ترتیب سازماندهی شده است. در بخش دوم به اهمیت علم، دانش و جایگاه آن از دیدگاه اسلام و قرآن می‌پردازیم. در بخش سوم به آسیب‌ها و تهدیدات در مسیر پیشرفت علمی ایران و جهان اسلام و خطر پیشرفت علم و دانش برای انسان و جامعه بیان می‌شود. در بخش چهارم به آموختن و فراگیری چه علمی از دیدگاه اسلام شایسته و موجب پیشرفت می‌شود پرداخته می‌شود و در بخش پنجم نتیجه را بیان شده است.

## ۲- علم و اهمیت آن

تعریف علم در مکاتب مختلف متفاوت است هر چند که وجه مشترکی نیز بین همه آنها وجود دارد؛ وجه مشترک آنها این است که همه به دانستن چیزی که انسان قبلا نمی‌دانست، علم می‌گویند (فریدونی، ۱۳۹۱: ۱). علم در لغت به معنای دانستن، یقین کردن، معرفت و شناخت، و جمع آن، علوم است (نظرپور، ۱۳۸۵: ۱) در انگلیسی به معادل آن Knowledge می‌باشد (به‌نیافر، ۱۳۸۸: ۳) و نقیض آن کلمه جهل عنوان شده است، در مفردات آمده علم دریافتن حقیقت شیء است. حقیقت دانش نوری است که در پرتو آن، انسان، جهان را آن گونه که هست می‌بیند و جایگاه خود را در هستی می‌یابد، نور دانش مراتبی دارد که بالاترین آن نه تنها انسان را با راه تکامل خود آشنا می‌کند؛ بلکه او را در این مسیر حرکت می‌دهد و به مقصد اعلائی انسانیت می‌رساند (اکبر حسینی،

۱۳۹۳: ۱). در معنای دیگر علم منحصر به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که به تجربه‌ی مستقیم حسی مبتنی است. در اینجا علم در برابر همه‌ی دانستنی‌هایی است که آزمون پذیر نیست و کلمه science معادل معنای علم است. بنابراین علم را می‌توان مجموعه‌ی فعالیت‌های منظم و منسجمی دانست که به کمک آن واقعیت‌های جهان خارج در کنار هم نهاده می‌شوند (دلاور، ۱۳۷۸: ۳).

امروزه اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست، همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخار آمیز می‌شمرند. لکن بدون تردید دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به علم بها داده و انسان‌ها را به تعلیم و تعلم فراخوانده است (فریدونی، ۱۳۹۱: ۱). اکنون در این بخش به بررسی علم از دیدگاه قرآن و اسلام پرداخته می‌شود.

## ۲-۱- علم از دیدگاه قرآن

ارزش و اعتبار عالم و دانشمند به علم و دانش اوست و این یک تضاد نیست که در کتاب وحی الهی قرآن مجید، متجاوز از هفتصد مورد ماده علم و مشتقات آن به کار رفته (دلآوری، ۱۳۹۲: ۱) و در اولین آیات نازل شده به رسول اکرم (ص) سخن از علم، دانش و قلم آمده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِیْ خَلَقَ؛ خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ؛ اَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْاَكْرَمُ؛ الَّذِیْ عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ؛ (ای رسول گرامی برخیز و قرآن را) به نام پروردگارت که خدای آفریننده عالم است (بر خلق) قرائت کن. آن خدایی که آدمی را از خون بسته (که تحول نطفه است) بیافرید. بخوان و (بدان که) پروردگار تو کریم‌ترین کریمان عالم است. آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت. به آدمی آنچه را که نمی‌دانست تعلیم داد (قرآن ترجمه الهی قمشه‌ای).

خداوند متعال با نخستین نعمت خویش بر انسان یعنی علم و دانش به صراحت ارزش آن را به انسان متذکر شده است و با همین آیه به آسانی می‌توان به ارزش علم و دانش و اهمیت آن پی برد و همچنین نشان می‌دهد که فراگیری علم و دانش از وظایفی است که از همان ابتدای خلقت انسان مورد تأکید و اهمیت بوده است (رحیمی راغب و قیم، ۱۳۹۴: ۴۱).

بنابراین بهترین و زیباترین تعبیرها و تعریف‌ها درباره علم و دانش، در معارف دین ما ذکر شده و تصور نمی‌شود که در هیچیک از مکاتبات دیگر به اندازه مکتب اسلام به ارزش علم و عالم پرداخته باشد (دلآوری، ۱۳۹۲: ۱). آیات قرآن نیز اهمیت فراوانی برای علم قائل است. خداوند بزرگ در آیه‌ای علم را سبب خلقت عالم معرفی می‌کند و در آیه‌ای دیگر آن را اولین درجه شرافت قرار می‌دهد (نظرپور، ۱۳۸۵: ۲).

قرآن کریم در سوره بقره، آیات ۳۱ تا ۳۵ جریان خلقت حضرت آدم (ع) و مقام خلیفه‌اللهی او را بیان کرده است که در این آیات، نکات بسیار مهمی در زمینه جایگاه علم و علم آموزی و مقام معلم و متعلم وجود دارد. ابتدا نگاهی به آیات و ترجمه آن می‌کنیم و سپس به برخی نکات مهم آن اشاره می‌کنیم: وَ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ

جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ  
 إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ  
 صَادِقِينَ؛ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ  
 بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ؛ وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ  
 اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ (به خاطر بیایور) هنگامی را که پروردگارت به  
 فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا!» آیا  
 کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود  
 داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است)، ما تسبیح و حمد تو  
 را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.» سپس  
 علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه  
 داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسمی اینها را به من خبر دهید!» فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما  
 چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم تو دانا و حکیمی.» فرمود: «ای آدم! آنان را از اسمی (و اسرار) این  
 موجودات آگاه کن.» هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین  
 را میدانم؟! و نیز میدانم آنچه را شما آشکار میکنید، و آنچه را پنهان می‌داشتید!» و (یاد کن) هنگامی را که به  
 فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید،  
 (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد (فریدونی، ۱۳۹۱: ۲).

با یک نگرش کلی به قرآن در می‌یابیم که خداوند پنج موهبت را مخصوص علما قرار داده است:

۱- ایمان: **والراسخون فی العلم یقولون آمنا به!**؛ و آنان که قدم در دانش استوار کرده‌اند، می‌گویند: ما  
 بدان ایمان آوردیم.

۲- توحید: **شهد الله أنه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم...!**؛ الله حکم کرد - و فرشتگان و دانشمندان  
 نیز - که هیچ خدایی برپای دارنده عدل جز او نیست.

۳- گریه و اندوه: **إن الذين اوتوا العلم... ویخرون للذقان یبکون!**؛ آنان که پیش از این دانش  
 آموخته‌اند... به رو درمی‌افتند و می‌گریند.

۴- خشوع: **...ویزیدهم خشوعاً!**؛ آنان که پیش از این دانش آموخته‌اند، بر خشوعشان افزوده می‌شود.

۱ سوره مجادله آیه ۱۱.

۲ سوره آل عمران آیه ۷.

۳ همان، آیه ۱۸.

۴ سوره اسراء آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹.

۵- خشیت: **أَمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ**<sup>۵</sup>؛ هرآینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می ترسند(نظرپور، ۱۳۸۵: ۱).

## ۲-۲- علم از دیدگاه اسلام

دین اسلام، علم را چراغ عقل، زینت اغنیا و جمال فقرا و بهترین هدایت می داند. هیچ گنجی را نافع تر از علم نمی داند. روایات فراوانی درباره اهمیت علم و عالم وارد شده است که در این صفحات محدود نمی توان به آنها اشاره کرد و به ذکر تعدادی از این احادیث اکتفا می شود.

- **أَلْعِلْمُ يَدُلُّ عَلَى الْعَقْلِ، فَمَنْ عَلِمَ عَقْلًا؛** دانش دلالت می کند بر عقل، پس هرکس که علم دارد، عقل دارد.

- **أَطْلُبُوا الْعِلْمَ تَرْتَدُّوا؛** علم را بیاموزید تا راه درست را بیابید.

- پیامبر(ص) فرمود: **العلم رأس كل خير والجهل رأس كل شر؛** دانایی سرآمد همه خوبی ها و نادانی سرآمد همه بدی ها است (نظرپور، ۱۳۸۵: ۱).

حقیقت علم از نظر رسول خدا(ص) اینگونه می باشد که حقیقت علم و معرفت نوری است که انواع علوم و معارف رسمی بشر را که پوسته دانش محسوب می شوند، در جهت به روزی و تکامل انسان قرار می دهد. خطر بزرگی که امروز جامعه بشر را تهدید می کند، این است که پوسته علم و معرفت رشد کرده؛ اما با جدا شدن از مغز و حقیقت آن جهت و فلسفه واقعی خود را از دست می دهند و از این رو در مسیر انحطاط انسان به کار گرفته می شوند. رسول خدا(ص) با توجه به این حقیقت علمی را شایسته فراگیری و آموختن می دانستند که آموختنش موجب تقرب به خدا و بی رغبتی به دنیا گردد، ایشان می فرمودند: «من ازداداً علماً و لم تزد في الدنيا زهداً لم يزد من الله الا بعداً؛ هر کس بر دانشش افزوده شود و بی رغبتی او به دنیا افزایش نیابد، دوری اش از خدا بیشتر خواهد شد. این چنین علمی از نظر رسول خدا(ص) از حضور در تشییع جنازه مؤمن بهتر و از قرائت کل قرآن والاتر است.

در نظر ایشان علمی نافع و سودمند است که موجبات کمال فرد را فراهم آورد، نه علمی که دانستن یا ندانستنش سود و زیانی برای فرد نداشته باشد، چنانچه که نقل شده، روزی پیامبر(ص) وارد مسجد شد، دیدند عده ای دور مردی جمع شده اند، فرمود: «چه خبر است؟»، گفتند: «مردی است بسیار دانا» فرمودند: «به چه چیز؟» گفتند: «به نسب های مردم و ایام جاهلیت و اشعار آنها»، رسول خدا(ص) فرمودند: «دانشی است که سودی نمی بخشد و ندانستنش زیانی نمی رساند(اکبر حسینی، ۱۳۹۳: ۲).

<sup>۵</sup> همان، آیه ۱۰۹.



اسلام، رشد دین را در علم آموزی و عمل به آن می‌داند. امام علی(ع) می‌فرماید: ای مردم بدانید که کمال دین در طلب علم و عمل به آن است. آگاه باشید که علم بر شما از طلب مال لازم‌تر است (نظریور، ۱۳۸۵: ۱).

## ۲-۳- علم از دیدگاه مقام معظم رهبری

باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود.

باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه‌ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه‌ی قوی هستند، دست شما را می‌پیچانند. جوانه‌اتان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب در ردیف‌های آخر، آخر علمی دنیا قرار داشتیم، که هیچ نگاهی به طرف ما جلب نمی‌شد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی می‌کنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه‌ی شانزدهم دنیا است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱).

نقطه‌ی قوت دیگر، پیشرفت علمی است. عزیزان من! این پیشرفت علمی را دست کم نگیرید. این پیشرفتهای خیلی مهم است. علم، پایه‌ی پیشرفت همه جانبه‌ی یک کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «العلم سلطان» علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه‌ی مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه‌ی دنیا زور بگویند. البته ما هرگز زور نخواهیم گفت، اما علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است (مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

## ۲-۴- جایگاه علم در اسلام و قرآن

بیشترین تاکید دین مقدس اسلام بر فراگیری علم و دانش و تفکر و تعقل و تدبر است. در متون دینی همواره اهمیت علم و منزلت عالم مورد تاکید قرار گرفته و علم از جایگاه رفیع برخوردار می‌باشد. آیات و روایات در این باب بیش از حد شمارش و بررسی است. برای روشن شدن جایگاه علم در متون اسلامی و اینکه علوم تجربی نیز مورد نظر اسلام است به چند نمونه اشاره می‌گردد: **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ**؛ بگو آیا دانایان برابرنند؟

**يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ**؛ خداوند به آنانی که ایمان آورده اند و کسانی که علم و دانش دارند درجات عظیمی می‌بخشد.

**إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ**؛ مقام خشیت الهی مخصوص بندگان دانشمند خداست.

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ؛ خداوند گواهی می‌دهد که خدایی جز او نیست، ملائکه و دانشمندان نیز گواهی می‌دهند در حالیکه او قیام به قسط و عدالت در جهان دارد.

در قرآن کریم به قلم سوگند یاد شده که نشانه‌ی اهمیت علم و آموزش است. در اولین آیاتی که به پیامبر اسلامی نازل گردیده، از خواندن و تعلیم سخن به میان آمده و یکی از اهداف بعثت انبیاء تعلیم کتاب و حکمت دانسته شده است.

اما روایات: رسول گرامی اسلامی مسلمانان را به آموختن علم سفارش نموده و می‌فرماید: طلب العلم فرضیه علی کل مسلم و مسلمه: آموختن دانش بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

در بیان دیگر می‌فرمایند: أطلبوا العلم و لو كانَ با الصين؛ در جستجوی آموختن دانش بر آید گر چه در چین باشد. در حدیث دیگر فرموده است: اطلبوا العلم من المهد الى الحد؛ از گهواره تا گور دانش بجویید. امام صادق (ع) فرموده: طلب العلم فريضة على كل حال؛ فراگرفتن دانش در هر حال واجب است.

از آیات و روایات منزلت و جایگاه برجسته علم و عالم به خوبی روشن می‌گردد که هیچ مکتبی به اندازه‌ی اسلام روی علم تاکید نکرده است. آموختن علم در اسلام بر هر مرد و زن لازم است و هیچگونه محدودیت زمانی، مکانی، سنی، جنسی و طبقاتی وجود ندارد. گرچه علم به مبدا و معاد و احکام الهی در راس علوم قرار دارد و بر تمام علوم مقدم می‌باشد. زیرا سعادت و کمال حقیقی انسان در گرو خداشناسی و خداپرستی است.

اما علوم تجربی نیز از آیات و روایات و سیره‌ی پیشوایان استفاده می‌شود. در سوره‌ی زمر فرموده: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیا دانایان با نادانان برابرند؟» (محسن زاده، ۱۳۹۱: ۱).

### ۳- آسیب‌ها و تهدیدات در مسیر پیشرفت علمی ایران و جهان

هدف از تولید علم در ایران و تمدن اسلامی در عصر حاضر دو مساله مهم است:

۱- احیاء و بازسازی تمدن اسلامی به قدرت بلا منازع جهان در قالب جامعه‌ی توحیدی، با تکیه بر پشتوانه‌ی قوی و قدرتمند گذشته.

۲- ارائه الگوی اداره‌ی تمدن الهی با استفاده از فرهنگ دینی.

در ضرورت پرداختن به تولید علم در تمدن اسلامی همان بس که امروزه، جامعه و نظام اسلامی از فقدان دانش بومی و کارآمد رنج می‌برد و تمدن غرب نیز بر جهان سایه انداخته و دستاوردهای خود را بر دیگر ملل تحمیل می‌نماید که صرفاً بر مبانی مادی استوار بوده و در حال زوال و انحطاط می‌باشد، از این جهت برای اعمال مدیریت در سطح جامعه اسلامی، جهان اسلام و نظام بین‌المللی در ایجاد یک جامعه‌ی توحیدی، تولید و توسعه‌ی

علمی باید مورد توجه قرار گیرد تا با تلاش و تحقیق برای دستیابی به دانش نوین جهانی، زمینه انحصاری کردن علوم و فنون پیشرفته توسط دنیای غرب پرچیده شود (بهنیافر، ۱۳۸۸: ۴۳).

در کنار تمامی این موضوعات و دانستن اهمیت علم و فراگیری دانش و تمامی سخنان در مورد سفارش فراگیری علم اما موضوعی که مطرح است این می‌باشد که با پیشرفت و فراگیری علم ما دچار آسیب‌ها و تهدیداتی می‌شویم.

مقام معظم رهبری می‌فرماید، تولید علم، عبور از مرزهای دانش، شکل‌گیری چرخه‌ی علمی و مفاهیمی از این دست همواره از جمله اساسی‌ترین خطوط ادبیات گفتمانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به خصوص در سالیان اخیر بوده است. ایشان پیشرفت علمی کشور را یکی از اصلی‌ترین پایه‌های ساخت مستحکم درونی کشور دانسته و در این راستا همواره آسیب‌ها و تهدیدات پیش رو را با مردم، نخبگان و مسئولین در میان گذاشته‌اند تا با برنامه‌ریزی دقیق و رفع مشکلات، روند رو به جلوی کشور در این عرصه‌ی مهم حفظ و تقویت شود.

آنچه در ادامه می‌آید «مهم‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات در مسیر پیشرفت علمی ایران» در بیانات آیت الله العظمی خامنه‌ای است که در چهار محور: فرهنگ علمی (تجسس و جزمی‌گرایی در محیط علمی، مهمل‌گویی در مسائل علمی به نام نوآوری، اعتقاد به نظریات غربی به عنوان متون مقدس و خدشه نکردن در آنها، توجه نکردن به داشته‌های خود و ترجمه‌گرایی در علوم، وابستگی به غرب در مسئله‌ی علم، دور شدن جوانان دانشجویان از فرهنگ خطرپذیری)، مسایل آموزشی (نبود توازن عادلانه و منطبق با نیازها در برنامه‌ریزی رشته‌های علمی، رشد کمی نامطلوب دانشجویان علوم انسانی بدون توجه به کار بومی، غییر ندادن سرفصل برخی از علوم به علت نبود جرأت مناقشه، گسترش روحیه مدرک‌گرایی در دانشگاه، دوری از تعمق و تحقیق در نظام آموزشی و تأکید بر حفظ محوری)، سیاست‌گذاری و مسایل زیرساختی (نبود چرخه علمی و تکمیل نبودن زنجیره‌ی کار علمی، فناوری، تولید و بازار، ناهماهنگی در بخشهای مرتبط با دانش و فناوری، دوری فضای مقاله‌های علمی از نیازهای کشور و جهت‌دهی به کارها براساس نیاز بازارهای غربی، کند شدن سرعت حرکت علمی کشور، صیانت نکردن از دستاوردهای علمی و عقب‌نشینی در برابر تهدیدات دشمن، محروم شدن ملت از استعدادهای درخشان با فرار مغزها)، مسایل گفتمانی و تبلیغی (برنامه‌ریزی دشمن برای دین‌زدائی و علم‌زدائی از دانشگاه، کشیده شدن دانشگاه‌ها به مسائل پوچ و غفلت از گفتمان پیشرفت علمی کشور، یأس‌آفرینی و منفی‌بافی درباره حرکت عظیم علمی کشور) تهیه و تنظیم شده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).

### ۳-۱- آسیب‌ها و موانع تولید علم در تمدن اسلامی

واژه‌ی آسیب‌شناسی به معنای مبحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علائم غیرعادی است و در اینجا منظور از آن بررسی موانع رویارویی فرهنگ و تمدن اسلامی از جات مختلف در زمینه تولید علم است (بهینافر، ۱۳۸۸: ۱۵). آسیب‌شناسی فرهنگی طبعاً به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند، و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. آسیب‌هایی این چنین، صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که بر مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، آن چنان در متن فرهنگ اصیل آن ملت یا جامعه رسوخ می‌کنند که از درون هسته مقاومت افراد را در برابر مفاسد و آسیب‌های فرهنگی تضعیف و آسیب‌پذیر می‌گردانند. این قبیل کنش‌ها رفته رفته نهادینه شده، حکم آداب و سنن حاکم بر جامعه را پیدا می‌کند، و در نتیجه، به استحاله فرهنگی و سرانجام به شکل‌گیری فرهنگی از نوع جدید می‌انجامد که با فرهنگ اولیه و اصیل تفاوت بارز دارد. خطر کم رنگ شدن ارزش‌های والای فرهنگی و یا حتی خطر نابودی فرهنگ اصیل و بنیادین جوامع اسلامی ممکن است از درون و بطن جامعه متوجه ساختار فرهنگی جامعه شود، همان گونه که می‌تواند از پذیرش و یا آمادگی برای پذیرش ارزش‌های وارداتی فرهنگ بیگانه ناشی گردد. به هر حال، بحث از عوامل و عناصر آسیب رسان فرهنگی و یا بحث از ساختار آسیب‌پذیر فرهنگ به قالب و زمینه آسیب‌شناسی فرهنگی مربوط می‌شود، همان طور که بحث از شیوه‌ها و عوامل مؤثر تهاجم فرهنگی و یا بحث از ریشه‌ها و عوامل زمینه ساز رسوخ فرهنگ وارداتی، در آسیب‌شناسی فرهنگی جای می‌گیرد (رهنمائی، ۱۳۸۹: ۱).

یکی از آسیب‌های فرهنگی با پیشرفت جدید در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات پدید آورنده‌ی مفاهیم جدیدی چون دهکده‌ی جهانی، جامعه‌ی اطلاعاتی، جامعه‌ی مجازی و فرهنگ مجازی بوده است و پیامدهای علمی کردن این مفاهیم تاثیرات خوب و بد بسیاری بر فرهنگ‌های مختلف گذاشته و آنها را بیش از گذشته در معرض تبادل، درهم‌آیختگی و رویارویی با یکدیگر قرار داده است. در دوران کنونی، اگر صدمات فرهنگی ناشی از فناوری اطلاعات و ارتباطات به ویژه اینترنت را زیانبارترین، جدیدترین و پیشرفته‌ترین نوع تهاجم فرهنگی بدانیم، سخن بیهوده نگفته‌ایم. کسانی که نسبت به اینترنت خوشبین‌اند همواره از مزایا و فواید اینترنت سخن می‌گویند و آن را به مثابه‌ی ابزاری قدرتمند برای تبادل فرهنگی بین کشورها و ملت‌ها می‌بینند؛ اما منتقدان معتقدند که اینترنت چیزی جز ابزار تسلط همه جانبه، از جمله سلطه‌ی فرهنگی، کشورهای استعمارگر غرب نیست و واژه‌هایی مانند فرهنگ جهانی، فرهنگ دیجیتال و فرهنگ اینترنتی را با فرهنگ غرب هم‌معنا می‌پندارند. در این میان گروهی نیز با رویکردی اعتدال‌گر معتقدند که می‌توان، با حفظ ارزش‌های بنیادی و سنت‌های اصیل، که نوآوری‌ها و فناوری‌های جدید ارتباطی استقبال کرد و آنان را در خدمت فرهنگ به کار گرفت (روشندل و اربطانی و صابر، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

به بیان دیگر اینترنت به عنوان مهمترین رسانه عصر جدید در کنار محاسن و مزایای بی شمار خود که می تواند منشا آثار مثبت و بالنده برای تعالی انسان باشد می تواند نقش تخریب کننده نیز ایفا نماید. عنوان دروازه‌ی جهنم بیان کننده‌ی مخاطرات این پدیده‌ی نوظهور می باشد که می تواند نگرانی‌های اخلاقی و امنیتی فراوانی را در اذهان تداعی نماید قدرت‌های مهم سیاسی و اقتصادی جهان از اینترنت برای نفوذ سیاسی و فرهنگی بر کشورهای مختلف استفاده می نمایند و از این راه آسیب‌های جدی را در ابعاد مختلف بر پیکره‌ی اجتماع وارد می سازند. در بعد امنیتی، اطلاعاتی به دنبال کسب اطلاعات و انتشار آن اخبار در زیر نقاب جاسوسی اینترنتی با آموزش‌های مخرب تروریستی به دنبال تضعیف و نقصان سیستم امنیتی کشور می باشند. در بعد اجتماعی با فراهم آوردن زمینه‌های غیر اخلاقی بین جوانان به ایجاد ارتباطات نامتعارف بین آنها پرداخته و به مسخ هویت و شخصیت آنان اقدام می نمایند. این زمینه‌های غیر اخلاقی بنیان‌های خانوادگی را مورد تهدید قرار داده و با شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های مختلف شکاف بین نسلها را افزایش می دهند. در بعد سیاسی با شکل‌گیری گروه‌های سیاسی مجازی سعی در مختل کردن جریان اطلاع رسانی سالم سیاسی بوده و با انتقال مستقیم اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جریان‌های معاند به داخل کشور در پی ایجاد گروه‌های فشار و ذی نفوذ مجازی با هدف ایجاد مطالبات جدید سیاسی به فتنه انگیزی خویش مبادرت می کنند. در این دموکراسی دیجیتال از آزادی ایجاد انجمن‌های مخالف استفاده و به بیان عقاید سیاسی خود پرداخته و با انتشار شایعات و اکاذیب به دنبال تاثیر گذاری در افکار عمومی می باشند. در بعد بین‌المللی نیز گردانندگان این نمایش به دنبال افزایش ضریب نفوذ جریان‌های معاند به دنبال افزایش همگرایی گروه‌های داخلی و خارجی همفکر علیه نظام هستند. مهمترین بعد این رسانه بعد فرهنگی آن است که از آن به منظور انتقال هنجارها و ارزش‌های غربی و سلطه فرهنگی استفاده می شود. با تاثیر گذاری بر اذهان درصدد تقلیل نفوذ رسانه‌های داخلی می باشند و از آب گل آلودی که تبادلات فرهنگی غیر قابل کنترل ایجاد می کند در جستجوی ماهی می باشند. با علم به آسیب‌های فراوانی که اینترنت در روح و روان افراد ایجاد می کند از جمله افسردگی و انزوا که منشا ایجاد آسیب‌های جدی اخلاقی و روانی محسوب شده و نیز بی هویت سازی و اعتیاد مجازی و انحرافات اخلاقی و جنسی و ... کدام عقل سلیم است که شاهد این خطرات باشد و از آن پیشگیری ننماید. در این میان نقش مسئولان فرهنگی کشور و مهم‌تر از آن نقش بی‌بدیل خانواده در این امر نقش کلیدی تلقی گردیده و با همکاری همه مسئولان و نهادهای جامعه با بستر سازی فرهنگ صحیح استفاده از اینترنت و تقویت باورهای دینی و مذهبی امید است که بتوان از آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی تا حدود زیادی کاست (طاهری گلوندانی، ۱۳۹۱: ۱).

برخی از آسیب‌های دیگر تولید علم در تمدن اسلامی بدین شرح می باشد:

۱- عدم نظریه پردازی و ارائه چارچوب و پارادایم علمی؛

۲- فقدان برنامه صحیح و جامع؛

۳- دور شدن از فرهنگ و آموزه‌های اصیل اسلامی به عنوان زیربنای توسعه پایدار؛

۴- فراگیر نبودن تولید علم در تمدن اسلامی در عصر حاضر؛

۵- فقدان امنیت، تفرقه و اختلاف، آفت تولید علم در تمدن اسلامی؛

۶- تهاجم غرب به جهان اسلام (بهنیافر، ۱۳۸۸: ۱۶-۲۲).

#### ۴- آموختن و فراگیری علمی که موجب پیشرفت از دیدگاه اسلام می‌شود

دغدغه‌ی دستیابی به دانش، از آغازین روز حیات بشر با او بوده است؛ اما از این کنجکاو فطری مهم‌تر، جهت دادن به آن در راستای علمی است که برای او مفید و کارآمد باشد. از زمان سقراط، حکیم یونان باستان که می‌گفت تنها دانستنی‌های فراوان آرامش‌بخش نیست، تنها دانستنی‌هایی که به کار می‌آیند آرامش‌بخش‌اند، تا زمان‌های دگر، فیلسوف اگزیستانسیالیست قرن بیستم که می‌گفت کنجکاوها به همه جا سر می‌زنند و لذا آرامش خود را از دست می‌دهند، همه به دنبال بیان یک حقیقت هستند: «العلم اکثر من ان یحصی، فخذ من کل شیء احسنه.» همه‌ی آنچه آموختنی است ارزش آموختن ندارد، خاصه با توجه به محدودیت‌های سرمایه‌های فکری و ذهنی و جسمی و زمانی آدمی (مطیع، ۱۳۹۰: ۶).

حال که طلب علم محدودیتی در اسلام ندارند، باید دید محتوای علم از دیدگاه اسلام و معارف اهل بیت (علیه السلام) چیست؟ به بیان دیگر چه بیاموزیم؟! آیا هر آنچه دیگران به عنوان دانستنی می‌دانند باید در طلب آن کوشید؟ یا آن که مرزهایی وجود دارد؟! در این رابطه نقل است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد مسجد شدند و دیدند جمع کثیری در اطراف یک نفر حلقه زده‌اند. حضرت پرسیدند: او کیست؟ اصحاب پاسخ دادند: علامه (یعنی دانش زیاد). حضرت فرمودند: او چه چیزی می‌داند و علمش چیست؟ اصحاب گفتند: علم انساب عرب می‌داند (یعنی نسبت‌ها را در میان قبایل عرب می‌شناسد). حضرت فرمودند: او صاحب علمی است که دانستن آن برای صاحبش سودی ندارد و ندانستن آن برای کسی که نمی‌داند ضرری نخواهد داشت! اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! علم سودمند و نافع کدام است؟ حضرت فرمودند: آیات محکم و احکام و سنن (رادفر، ۱۳۹۳: ۱).

در مورد اینکه از نظر اسلام چه علمی باید آموخت چند نظریه وجود دارد:

نظریه اول: منظور اسلام از علم، علوم دینی است ممکن است کسی بگوید مقصود از همه این تأکید و توصیه‌ها، علم خود دین است. یعنی همه به این منظور گفته شده است که مردم به خود دین عالم شوند و اگر نظر اسلام از علم، علم دین باشد در حقیقت به خودش توصیه کرده و درباره علم به معنی اطلاع بر حقایق کائنات و شناختن امور عالم چیزی نگفته و اشکال به حال اول باقی می‌ماند، زیرا هر مسلکی هر اندازه هم ضد علم باشد و با آگاهی و اطلاع و بالارفتن سطح فکر و معلومات مردم مخالف باشد، با آشنایی با خودش مخالف نیست، بلکه خواهد گفت

با من آشنا باشید و با غیر من آشنا نباشید. پس اگر منظور اسلام از علم، خصوص علم دینی باشد باید گفت موافقت اسلام با علم صفر است و نظر اسلام درباره علم منفی است. برای کسی که درست با اسلام و منطق اسلام آشنا باشد جای این احتمال نیست که بگوید نظر اسلام درباره علم منحصرأ علوم دینی است.

نظریه دوم: منظور از علم، هر علم نافع است. هر علمی که متضمن فایده و اثری باشد و آن فایده و اثر را اسلام به رسمیت بشناسد یعنی آن اثر را اثر خوب و مفید بداند آن علم از نظر اسلام خوب و مورد توصیه و تشویق است. هر علمی که هدفی از اهداف فردی یا اجتماعی اسلام کمک می‌دهد و ندانستن آن، سبب اخلال در زندگی مسلمان ها شود، آن علم را اسلام توصیه می‌کند و هر علمی که در منظوره‌های اسلامی تأثیر ندارد اسلام درباره آن علم نظر خاصی ندارد، و هر علم که تأثیر سوء دارد با آن مخالف است (احمدی اصل، ۱۳۹۴: ۱).

به طور کل بعضی از علوم مضرند. بعضی علوم بی‌خاصیت هستند. بعضی علوم نافع‌اند و بعضی علوم انفع. با توجه به محدودیت‌های آدمی؛ محدودیت‌های فکری، ذهنی، وقتی، فرصتی و توانایی کم انسان، نمی‌تواند به یادگیری همه علوم برسد. باید به علمی برسد و وقت برای آنها بگذارد که در درجه اول نفع بیشتری برای آنها دارد و از آن طرف از علمی که مضرند پرهیز کند. حتی از علمی که نه نفع و نه ضرری برای انسان دارند پرهیز شود. زیرا اینها جا را برای علوم دیگر تنگ می‌کنند. لذا نتیجه‌ای که ما از این نکته به دست می‌آوریم این است که بین علوم نافع یا انفع باید علمی که مفیدتر است را برگزینیم و این توصیه اسلام است که همه چیز را لازم نیست یاد بگیرد. ببینید در علم چه چیزی نافع‌تر و مفیدتر است، آن را یاد بگیریم (مطیع، ۱۳۹۰: ۶).

ما شیعه هستیم و ائمه اطهار علیهم السلام را اوصیای پیغمبر اکرم می‌دانیم. گفتار آنها و سیرت آنها برای ما سند است. همان طوری که می‌دانیم از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری مسلمین با علوم جهان آشنا شدند و انواع علوم را از یونان و هند و ایران ترجمه کردند و از طرفی می‌دانیم ائمه اطهار از انتقاد و خرده‌گیری به کارهای خلفا کوتاهی نمی‌کردند، کتابهای ما پر است از این انتقادها. اگر بنا بود که نظر اسلام درباره علم نظر منفی و مخالف بود و علم خراب‌کننده و منهدم‌کننده دین می‌بود، ائمه اطهار این عمل خلفا را که دستگاه وسیعی از مترجمین و ناقلین به وجود آورده بودند و انواع کتب نجومی، منطقی، فلسفی، طبی، حیوان‌شناسی، ادبی و تاریخی ترجمه شد انتقاد می‌کردند، همان طوری که بعضی کارهای دیگر خلفا را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند (احمدی اصل، ۱۳۹۴: ۱). حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: همه معارفی که بدان پردازی چهار دسته‌اند که عبارتند از: معرفه الله یعنی خداشناسی و دیگر آن تعرف ما صنع بک یعنی بدانی آنچه را که بوسیله‌ی تو ساخته شد یعنی خودشناسی و دیگر آن که آن تعرف ما أراد منک یعنی آنچه را که از تو می‌خواهند بیاموزی و آخر آنکه آن تعرف ما یخرج من دینک یعنی آنچه که تو را از دینت خارج می‌سازد بشناسی (رادفر، ۱۳۹۳: ۱).

## ۵- نتیجه‌گیری

پیدایش علم و دانش با خلقت انسان برابری می کند و همواره بشر در صدد آن بوده که بفهمد و درک نماید، علم و دانش در زندگی انسان دارای جایگاه ویژه‌ای است. نقش علم در زندگی انسان این است که راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به انسان می آموزد. علم، انسان را توانا می کند که آینده را همان گونه که می خواهد بسازد. یکی از مسائل مهم و مطرح در جوامع امروزی خصوصاً در جامعه، رابطه علم و دین است. از نظر ما مسلمانان و شیعیان بین علم و دین هیچ گونه تعارضی وجود ندارد و این دو مکمل و متمم یک دیگرند. تعریف علم در مکاتب مختلف متفاوت است هر چند که وجه مشترکی نیز بین همه آنها وجود دارد؛ وجه مشترک آنها این است که همه به دانستن چیزی که انسان قبلاً نمی دانست، علم می گویند. علم در لغت به معنای دانستن، یقین کردن، معرفت و شناخت، و جمع آن، علوم است و نقیض آن کلمه جهل عنوان شده است. امروزه اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست، همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخار آمیز می شمرند. لکن بدون تردید دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به علم بها داده و انسان‌ها را به تعلیم و تعلم فراخوانده است. ارزش و اعتبار عالم و دانشمند به علم و دانش اوست و این یک تصادف نیست که در کتاب وحی الهی قرآن مجید، متجاوز از هفتصد مورد ماده علم و مشتقات آن به کار رفته و خداوند متعال با نخستین نعمت خویش بر انسان یعنی علم و دانش به صراحت ارزش آن را به انسان متذکر شده است و با همین آیه به آسانی می توان به ارزش علم و دانش و اهمیت آن پی برد و همچنین نشان می دهد که فراگیری علم و دانش از وظایفی است که از همان ابتدای خلقت انسان مورد تاکید و اهمیت بوده است. دین اسلام، علم را چراغ عقل، زینت اغنیا و جمال فقرا و بهترین هدایت می داند. هیچ گنجی را نافع تر از علم نمی داند. مقام معظم رهبری می فرماید باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه‌ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه‌ی قوی هستند، دست شما را می پیچانند. جوانهاتان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. هدف از تولید علم در ایران و تمدن اسلامی در عصر حاضر دو مساله مهم است: ۱- احیاء و بازسازی تمدن اسلامی به قدرت بلا منازع جهان در قالب جامعه‌ی توحیدی، با تکیه بر پشتوانه‌ی قوی و قدرتمند گذشته. ۲- ارائه الگوی اداره‌ی تمدن الهی با استفاده از فرهنگ دینی.

در کنار تمامی این موضوعات و دانستن اهمیت علم و فراگیری دانش و تمامی سخنان در مورد سفارش فراگیری علم اما موضوعی که مطرح است این می باشد که با پیشرفت و فراگیری علم ما دچار آسیب‌ها و تهدیداتی می شویم. مقام معظم رهبری می فرماید در کنار تمامی این موضوعات و دانستن اهمیت علم و فراگیری دانش و تمامی سخنان در مورد سفارش فراگیری علم اما موضوعی که مطرح است این می باشد که با پیشرفت و فراگیری



علم ما دچار آسیب‌ها و تهدیداتی می‌شویم. واژه‌ی آسیب‌شناسی به معنای مبحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علائم غیرعادی است و در اینجا منظور از آن بررسی موانع رویارویی فرهنگ و تمدن اسلامی از جات مختلف در زمینه تولید علم است. آسیب‌شناسی فرهنگی طبعاً به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند، و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. آسیب‌هایی این چنین، صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که بر مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، آن چنان در متن فرهنگ اصیل آن ملت یا جامعه رسوخ می‌کنند که از درون هسته مقاومت افراد را در برابر مفاسد و آسیب‌های فرهنگی تضعیف و آسیب‌پذیر می‌گردانند. یکی از آسیب‌های فرهنگی با پیشرفت جدید در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات پدید آورنده‌ی مفاهیم جدیدی چون دهکده‌ی جهانی، جامعه‌ی اطلاعاتی، جامعه‌ی مجازی و فرهنگ مجازی بوده است و پیامدهای علمی کردن این مفاهیم تاثیرات خوب و بد بسیاری بر فرهنگ‌های مختلف گذاشته و آنها را بیش از گذشته در معرض تبادل، درهم‌آیختگی و رویارویی با یکدیگر قرار داده است. به بیان دیگر اینترنت به عنوان مهمترین رسانه عصر جدید در کنار محاسن و مزایای بی شمار خود که می‌تواند منشا آثار مثبت و بالنده برای تعالی انسان باشد می‌تواند نقش تخریب کننده نیز ایفا نماید. عنوان دروازه‌ی جهنم بیان کننده‌ی مخاطرات این پدیده‌ی نوظهور می‌باشد که می‌تواند نگرانی‌های اخلاقی و امنیتی فراوانی را در اذهان تداعی نماید قدرت‌های مهم سیاسی و اقتصادی جهان از اینترنت برای نفوذ سیاسی و فرهنگی بر کشورهای مختلف استفاده می‌نمایند و از این راه آسیب‌های جدی را در ابعاد مختلف بر پیکره‌ی اجتماع وارد می‌سازند. در بعد امنیتی، اطلاعاتی به دنبال کسب اطلاعات و انتشار آن اخبار در زیر نقاب جاسوسی اینترنتی با آموزش‌های مخرب تروریستی به دنبال تضعیف و نقصان سیستم امنیتی کشور می‌باشند. در بعد اجتماعی با فراهم آوردن زمینه‌های غیر اخلاقی بین جوانان به ایجاد ارتباطات نامتعارف بین آنها پرداخته و به مسخ هویت و شخصیت آنان اقدام می‌نمایند. این زمینه‌های غیر اخلاقی بنیان‌های خانوادگی را مورد تهدید قرار داده و با شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های مختلف شکاف بین نسلیها را افزایش می‌دهند.

در مورد اینکه از نظر اسلام چه علمی باید آموخت چند نظریه وجود دارد: نظریه اول: منظور اسلام از علم، علوم دینی است ممکن است کسی بگوید مقصود از همه این تأکید و توصیه‌ها، علم خود دین است. یعنی همه به این منظور گفته شده است که مردم به خود دین عالم شوند و اگر نظر اسلام از علم، علم دین باشد در حقیقت به خودش توصیه کرده و درباره علم به معنی اطلاع بر حقایق کائنات و شناختن امور عالم چیزی نگفته و اشکال به حال اول باقی می‌ماند، زیرا هر مسلکی هر اندازه هم ضد علم باشد و با آگاهی و اطلاع و بالارفتن سطح فکر و معلومات مردم مخالف باشد، با آشنایی با خودش مخالف نیست، بلکه خواهد گفت با من آشنا باشید و با غیر من آشنا نباشید. پس اگر منظور اسلام از علم، خصوص علم دینی باشد باید گفت موافقت اسلام با علم صفر است و نظر اسلام درباره علم منفی است. برای کسی که درست با اسلام و منطق اسلام آشنا باشد جای این احتمال نیست

که بگوید نظر اسلام درباره علم منحصرًا علوم دینی است. نظریه دوم: منظور از علم، هر علم نافع است. هر علمی که متضمن فایده و اثری باشد و آن فایده و اثر را اسلام به رسمیت بشناسد یعنی آن اثر را اثر خوب و مفید بداند آن علم از نظر اسلام خوب و مورد توصیه و تشویق است. هر علمی که هدفی از اهداف فردی یا اجتماعی اسلام کمک می‌دهد و ندانستن آن، سبب اخلال در زندگی مسلمان‌ها شود، آن علم را اسلام توصیه می‌کند و هر علمی که در منظوره‌های اسلامی تأثیر ندارد اسلام درباره آن علم نظر خاصی ندارد، و هر علم که تأثیر سوء دارد با آن مخالف است.

## ۶- منابع

- قرآن کریم ترجمه الهی قمشه‌ای.
- آیت الله خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). ۲۰ آسیب و تهدید در مسیر پیشرفت علمی ایران. پایگاه اطلاعات رسانی مقام معظم رهبری.
- آمره‌ئی، وحید. صادقی، طاهره. (۱۳۹۲). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آینده جهان. دومین همایش ملی آینده پژوهی.
- اکبر حسینی، سید علی. (۱۳۹۳). تشویق به علم اندوزی در سیره و گفتار پیامبر(ص). پژوهشکده باقر العلوم.
- اختصاصی پایگاه حوزه. (۱۳۹۲). جایگاه و اهمیت علم و دانش. پایگاه فرهنگستان.
- احمدی اصل، جمال. (۱۳۹۴). منظور از فراگیری علم از دیدگاه اسلام چیست و یادگیری چه علمی واجب است برگرفته از کتاب بیشت گفتار شهید مطهری. آرمان مهدویت.
- بهنیا فر، احمد رضا. (۱۳۸۸). آسیب شناسی فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه تولید علم در جهان امروز. پژوهش‌های اعتقادی کلامی. فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اسلامی. دوره ۴. شماره ۱۳.
- چاپرک، علی. حاجی حسینی، حجت الله. (۱۳۹۵). رابطه علم و فناوری از منظر سیاست گذاری، آموزش مهندسی و حوزه عمومی. راهبرد فرهنگ. شماره ۳۴.
- حق پرست رادمرد، محمدمهدی. جیردهی، روح الله. (۱۳۹۱). اینترنت و آسیب‌های اجتماعی. نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نو پدید.
- حسین زاده، محمد علی. (۱۳۹۱). جایگاه رفیع علم آموزی در اسلام. خبرگزاری شبستان. شناسه خبر: ۱۷۵۱۰۸.

- دلاور، علی. (۱۳۷۸). مبانی نظری و علمی پژوهش. تهران: انتشارات رشد.
- دلاوری، جواد. (۱۳۹۲). ارزش عالم و علم اندوزی. موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- رادفر، نجمه سادات. (۱۳۹۳). علمی که برای دنیا و آخرت سود دارد. موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- رحیمی راغب، مهین. قیم، بهادر. (۱۳۹۴). جایگاه علم و علم آموزی در اسلام. فصل نامه جندی شاپور. دانشگاه چمران. سال یکم. شماره ۳.
- روشندل اربطانی، طاهر. صابر، منوچهر. (۱۳۹۱). ارتباط میان فرهنگ و فناوری اطلاعات و ارتباطات و آسیب‌های فرهنگی اینترنت. مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ. دوره ۲. شماره ۴.
- رهنمائی، سید احمد. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی فرهنگی. فصلنامه معرفت. شماره ۳۰.
- طاهری گلوندانی، رقیه. (۱۳۹۱). اینترنت و آسیب‌های اجتماعی. نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نو پدید.
- فریدونی، معصومه. (۱۳۹۱). اهمیت علم در قرآن. روابط عمومی اداره تبلیغات اسلامی شهرستان دهگلان.
- محمدیان، حمید. فریدونی، شاپور. بهروزمنش، بهاره. (۱۳۹۵). اهمیت علم، آموزش و تربیت از دیدگاه قرآن کریم. نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت.
- مطیع، حسین. (۱۳۹۰). علم نافع در قرآن و احادیث. ناشر: انتشارات سروش.
- نظرپور، حمزه. (۱۳۸۵). علم و آگاهی. مجله پرسمان. شماره ۵۱.